

## تحلیلی در مورد وقایع دیماه ۱۴۰۴

دکتر علی ربیعی؛ دستیار اجتماعی رییس جمهور



حوادث تلخ و ناگواری را در دی ماه ۱۴۰۴ شاهد بودیم و هنوز جامعه در التهاب این روزها به سر می برد. معترضان خشمگین اکنون به معترضان غمگین تبدیل شده اند. ما اکنون شاهد شکل جدیدی از بروز هیجان و خشم بوده ایم که به این شدت بی سابقه بوده است. غالب تحلیل ها مبتنی بر فریاد ناامیدی در برابر انسدادها تفسیر می شود.

به نظر من ناآرامی های ۱۳۹۶، ریشه در چالش های اقلیمی نظیر خشکسالی های مستمر، فقیر شدن کشاورزان و ناامیدی جوانان شهرهای بدون امکانات داشت - هر چند آغاز ۹۶ ریشه ای ناشی از تنازعات سیاسی جناحی در شهر مشهد داشت - در سال ۹۸ نوشتم که ریشه اعتراضات در نارضایتی فقرای حاشیه نشین شهری بود و بیشتر وابستگان به ارزش های «بقا» در آن مشارکت داشتند.

متن اعتراض چنین قالبی داشت، اما در کنار آن پدیده شاهد حضور بخشی از آسیب دیدگان اجتماعی پرخطر هم بودیم که می توان گفت پیشگام تخریب گری و حمله به مراکز انتظامی و دولتی بودند. سال ۱۴۰۱ داستانی متفاوت داشت. کنشگران اعتراضی در این جنبش به تعبیر اینگل هارت، افرادی با ارزش های ابراز وجودی بودند. در ۱۴۰۱، حضور طبقه متوسط تغییرخواه، به شدت نمایان بود.

تغییرخواهی منزلت خواهانه و حق آزادی انتخاب و حضور جریان دانشجویی بسیار نمایان بود. معتقدم خیابان های دی ماه ۱۴۰۴، ترکیبی از ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ با یک تفاوت عمده و آن نقش جریانی از خارج از کشور برای خونبار کردن حرکت اعتراضی جامعه بود. جریان پرفشار رسانه های فارسی زبان، ایجاد امیدهای واهی گمراه کننده در تسخیر تمامیت ذهنی بخش هایی از جامعه و تلاش برای گنجاندن اعتراض طبیعی جامعه در دل یک سناریوی دلخواه خود، بخشی از این جریان بود.

من با همه وجود، به اعتراضات اجتماعی اعتقاد داشته و برای این اعتراضات جهت داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، تغییرخواهی و اصلاحات ارزش قائل هستم، اما در ۱۴۰۴ نمی‌توان معادلات ژئوپلیتیکی که برای ایران بزرگ دیده شده بود را نادیده گرفت.

علاوه بر این رخداد ۱۴۰۴ را باید امتداد ۱۴۰۱، اما با تفاوتی تعیین‌کننده در ترکیب کنشگران آن دانست. در ۱۴۰۱ سهم کنشگران سبک زندگی و منزلت پررنگ‌تر بود و در واقع اعتراضی علیه تحمیل و فاصله گرفتن سیاست از برآیند واقعی جامعه بود. در ۱۴۰۴، ترکیب به هم ریخت و چند تجربه اعتراضی شامل کنشگران شهرهای کوچک کم‌برخوردار (دی ۹۶)، بخشی از حاشیه‌نشین‌های شهری (دی ۹۸) و بخشی از معترضان ۱۴۰۱ در کنار هم قرار گرفتند. این هم‌افزایی اعتراضی پیام مهمی از اینکه گسل‌ها روی هم افتاده‌اند و نارضایتی از شکل موضعی به شکل شبکه‌ای درآمده، دارد.

من معتقدم اگر دی ۱۴۰۴ را فقط رخداد ببینیم، فهم آن را از دست می‌دهیم. یک سندرم برای ساده‌انگاری، ندیدن ریشه‌ها و تغییرات صورت گرفته در چند دهه اخیر را شاهد بوده‌ایم. به خصوص وقتی بنا بر خاصیت حرکت‌های اعتراضی و جنبشی با کاهش دستاورد و هم آگاهی از ادراک وضعیت نامناسب (تخریب‌ها و شدت خشونت) حرکات اجتماعی فروکش پیدا می‌کنند، سیستم‌های تصمیم‌گیر به سرعت با علت‌یابی‌های غالباً تکراری از قبیل منازعات داخلی و ارجاعات نادرست به داخل و خارج، ریشه‌یابی صحیح به فراموشی سپرده می‌شود. از طرفی رخدادها معمولاً در سطح دیده می‌شوند؛ اما ریشه‌ها در زیر پوست جامعه کار می‌کنند.

آنچه در دی ۱۴۰۴ رخ داد، بیش از هر چیز نشانه انباشت یک وضعیت از تشدید ناامیدی اجتماعی از ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴ و تبدیل شدن از دست رفتن افق به موتور خشم جمعی بود. همین جا باید با صراحت گفت مساله فقط فقر نیست؛ مساله بسته شدن مسیرهاست. فقر می‌تواند آزاردهنده باشد، اما وقتی به بی‌افقی گره می‌خورد، به خشم بدل می‌شود؛ چون فرد نه فقط امروز دشوار، بلکه فردای بسته را تجربه می‌کند.

در چنین وضعیتی، خشم به جای آنکه صرفاً واکنش به یک فشار باشد، به زبان یک نسل برای گفتن دیگر تمام ماجرا تبدیل می‌شود. بنابراین تصویر اصلی دی ۱۴۰۴ را در خیابان شلوغ و قاب خبری نباید تفسیر کرد، بلکه فرسایش افق در ذهن و زندگی مردم ریشه آن است. جامعه‌ای که نتواند برای فردای خود رویا بسازد، دیر یا زود انرژی اجتماعی‌اش را از دست می‌دهد. شاخص امید در این میان، شاخصی حاشیه‌ای نیست؛ شاخصی بنیادین برای فهم پایداری اجتماعی است.

خشمگین‌های بی‌افق، کسانی‌اند که دیگر هیچ آرزویی برای خود متصور نیستند و احساس می‌کنند امید از آنان گرفته شده. هر بار جرعه‌ای از امید شکل می‌گیرد و هر بار که پاسخ متناسب نمی‌گیرند، احساس بی‌پناهی جای آن را می‌گیرد. اینجا نقطه خطر سیاستی است که لغزش جامعه از نقد وضع موجود به انکار امکان اصلاح رخ می‌دهد. در تفسیر این وضعیت، یک خطای رایج هم دیده می‌شود که ناامیدی را صرفاً با شاخص‌های فقر توضیح می‌دهند.

هر چند فقر بخشی از مشارکت‌کنندگان در تمامی اعتراضات سال‌های اخیر، افرادی با مشکلات معیشتی حضور داشته‌اند، در ۱۴۰۴ نگاه کنید به یک برداشت اولیه از وضع اقتصادی اعتراض‌کنندگان: حدود ۶۵ درصد طبقه متوسط فرو افتاده معیشتی، یعنی طبقه‌ای که منزلت اجتماعی و فرهنگی طبقه متوسط را داشته و از نظر معیشتی به دهک‌های پایین افتاده است. مطالعات پیرامون آثار تحریم نشان می‌دهد که حدود یازده میلیون نفر تاثیرپذیر از آثار تحریم در شکل سقوط طبقه بوده‌اند.

این موضوع را ریچارد نفلی و برخی سیاستمداران آمریکا و اروپایی بارها بیان کرده‌اند که تحریم برای کشاندن جامعه بر اثر فشار اقتصادی به خیابان‌هاست. برای فهم این مساله نیازمند مطالعات یا فهم علت‌های با مطالعاتی میان‌رشته‌ای نظیر روانشناسی فردی و اجتماعی، اقتصاد فقر، اقتصاد سیاسی، مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی و توجه به مسائل ژئوپلیتیک و بین‌الملل هستیم. علاوه بر این شیوه مواجهه ارکان و نهادهای تصمیم‌گیر که در مواجهه با ناآرامی قرار دارند - اعم از پیش‌بینی تا مواجهه - نیز قابل مطالعه و نقد خواهد بود.»

ماخذ: پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، ۱۳ بهمن

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴